مجله اقتصادی
شماره‌های ۳ و ٤، خرداد و تیر ۱۳۹۲، صفحات ۲۰- ۵

جایگاه بهبود فضای کسب و کار در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

علیرضا فتحی
کارشناس‌ارشد علوم اقتصادی
alirezafathi@live.com

یکی از بهترین روش‌های مطرح در زمینه نظام تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری، بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که غیر از تامین مالی پروژه‌ها دستاوردهای دیگری همچون انتقال تکنولوژی، ارتقاء سطح فناوری و کیفیت عرضه کالا و خدمات، توسعه مهارت و مدیریت، افزایش بهره‌وری، توسعه صادرات، افزایش رشد اقتصادی و بهبود سطح رفاه عمومی جامعه را به همراه خواهد داشت. آگاهی از جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی و عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، می‌تواند بر تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست‌های کارامد اقتصادی در راستای بهبود فضای کسب و کار و در نهایت توسعه و جلب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور مفید واقع گردد. در این مقوله با عوامل و سیاست‌های تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در چهار سرفصل کلی سیاستگذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی، عوامل سیاسی و عوامل تشویقی و حمایتی آشنا شده و به صورت اجمالی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ بهره، نرخ ارز، تراز پرداخت‌ها، رشد اقتصادی، توزیع درآمد، نرخ بیکاری، انتقال تکنولوژی، افزایش درآمدهای عمومی دولت و توسعه صادرات از دو منظر کلان و خرد مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه با معرفی پروژه بانک جهانی و شاخص‌های ده گانه کسب و کار به برخی از علل عدم موفقیت ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و موانع موجود در تحقق این امر اشاره می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری خارجی، فضای کسب و کار، موانع سرمایه‌گذاری، نظام تأمین مالی.

۱. مقدمه

تعویق انداختن مصرف فعلی برای دستیابی به امکان مصرف بیشتر در آینده تعریفی است که از مفهوم سرمایه‌گذاری در متون اقتصادی استنباط می‌گردد، بنابراین سرمایه‌گذاری خرید اقلام دارایی یا اوراق بهاداری است که با گذر زمان منجر به ایجاد درآمد و افزایش ارزش برای سرمایه‌گذار خواهد شد. در واقع، سرمایه‌گذار به امید کسب ارزشی در زمان آینده از ارزش‌های کنونی چشم‌پوشی می‌کند.

جذب سرمایه‌گذاری خارجی با ۲ ویژگی برخورداری از تکنولوژی و سیستم‌های روز هر صنعت و تأمین منابع مالی به‌صورت سرمایه و حتی استقراض از صاحب سرمایه و تأثیر آن بر توسعه

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

اقتصادی، رشد اقتصادی و توسعه کسب و کار و اشتغال کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. از سویی اکثر کشورهای در حال توسعه برای رونق‌دهی به اوضاع اقتصادی، ایجاد اشتغال و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار با مشکل کمبود منابع در جهت سرمایه‌گذاری روبرو هستند.

با در نظر گرفتن موارد فوق آنچه مسلم است بهره‌مندی از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از روش‌های نوین تأمین منابع مالی طرح‌ها و پروژه‌ها در جهت دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار می‌تواند بسیار برای تصمیم‌گیران و سیاستگذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران حائز اهمیت باشد.

رفع موانع سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب و کار در تحقق این امر به‌منظور جلب نظر سرمایه‌گذاران خارجی و بین‌المللی، نقش بسزایی داشته و همواره ارتقای رتبه کشورها در این زمینه و ارزیابی از تلاش‌های صورت گرفته مورد توجه کلیه دولتمردان از کشورهای مختلف بوده است.

بر اساس اعلان بانک جهانی کشور ایران در زمینه شاخص سهولت کسب و کار در سال ۲۰۱۳ بین ۱۸۵ کشور جهان دارای رتبه ۱۴۵ بوده که نسبت به سال قبل از آن یک رتبه تنزل یافته است، آگاهی از موانع توسعه سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب و کار در ایران می‌تواند زمینه‌ساز چاره‌اندیشی و اتخاذ سیاست‌های صحیح در فتح باب این موضوع گردد.

۲. جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه اقتصادی

امروزه بسیاری از کشورهای جهان به دلیل عدم تکافوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی دارند. سرمایه‌گذاری خارجی در حقیقت تحصیل دارایی شرکت‌ها، مؤسسات و افراد سایر کشورها است که به‌صورت معمول به دو طریق سرمایه‌گذاری خارجی در سبد مالی (FPI)[1] که به آن سرمایه‌گذاری غیرمستقیم نیز می‌گویند و در ایران تابع قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران و آیین‌نامه سرمایه‌گذاری خارجی در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس می‌باشد و از طریق خرید سهام و اوراق قرضه در بورس توسط سرمایه‌گذاران خارجی صورت می‌گیرد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)[2] که کشور یا سرمایه‌گذار خارجی مستقیماً یا با مشارکت سرمایه‌گذاران داخلی به‌منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در بنگاهی مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار و کسب حق رأی مؤثر در مدیریت شرکت مبادرت به امر سرمایه‌گذاری می‌نماید، صورت می‌پذیرد. البته در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری

1. Foreign Portfolio Investment (FPI)
2. Foreign Direct Investment (FDI)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

خارجی در ایران روش‌های دیگری نیز در تعریف سرمایه‌گذاری خارجی آورده شده که عبارتند از روش‌های مشارکت مدنی،[1] بیع‌متقابل[2] و ساخت، بهره‌برداری و واگذاری.[3]

همانطور که عنوان گردید خرید اوراق قرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک‌های خارجی از انواع سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی هستند که در این حالت سرمایه‌گذار خارجی در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم نداشته و مسئولیت مالی نیز متوجه وی نیست. مهم‌ترین ویژگی این نوع سرمایه‌گذاری شناور و فرار بودن آن است. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذار خارجی در هر لحظه قادر است با فروش سهام یا اوراق بهادار سرمایه‌اش را به کشور خود یا کشور ثالث منتقل نماید. اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی سرمایه‌گذاری خارجی است که به‌منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در بنگاه اقتصادی مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد و نتیجه آن کسب حق رأی مؤثر در مدیریت شرکت است.

مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد آثار قابل ملاحظه‌ای بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، افزایش رشد اقتصادی، افزایش درآمد مالیاتی دولت، کاهش بدهی دولت، بهبود توزیع درآمد، انتقال تکنولوژی، ارتقای سطح بهره‌وری، افزایش اشتغال، توسعه صادرات، کاهش واردات و تأثیر مثبت در ترازپرداخت‌ها دارد.

به‌طور کلی، عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان به چهار گروه زیر تقسیم‌بندی کرد:

- عوامل سیاستگذاری اقتصادی (ثبات اقتصادی، میزان ریسک سرمایه‌گذاری و...)
- عوامل ساختار اقتصادی (زیرساخت‌هایی نظیر راه‌ها، بنادر، سیستم‌های ارتباطی و ...)
- عوامل تشویقی و حمایتی (معافیت‌های مالیاتی، اعطای یارانه و ...)
- عوامل جغرافیایی و سیاسی

سرمایه در تمام نظریات و الگوهای رشد اقتصادی به‌عنوان موتور محرکه رشد و توسعه اقتصادی درنظرگرفته شده است. بر این اساس نیز اتخاذ تدابیری برای جذب سرمایه کافی به‌منظور تأمین منابع مالی طرح‌های اقتصادی از مهم‌ترین دغدغه‌های تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در هر جامعه است. آنچه در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حائز اهمیت است نقش آن به‌عنوان عاملی

1. Jonit Venture
2. Buy Back
3. Build-Operate-Transfer (BOT)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

تأثیرگذار در رشد و توسعه اقتصادی، رفع شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، انتقال تکنولوژی، دانش فنی و شیوه‌های نوین مدیریت است.

۳. شرایط جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

بر اساس مطالعات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تابع عواملی از قبیل نرخ بازگشت سرمایه، زیرساخت‌ها، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری داخلی، منابع طبیعی، سرمایه انسانی، تورم، نرخ ارز، بدهی خارجی، وضع مالی دولت، مالیات، حقوق سیاسی و نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی است. عواملی همچون سیاست‌های کشور میزبان، حمایت فعال کشورها به‌منظور توسعه و سهولت سرمایه‌گذاری، ویژگی‌های اقتصادی کشور میزبان از دیگر عوامل مهم و مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌گردند.

کشور هر میزان از امکانات گسترده‌تری برای کاهش هزینه‌های تولید برخوردار باشد و سطح تکنولوژی بالاتری داشته باشد، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آن بیشتر خواهد بود. در واقع دلیل اصلی ورود حجم بالایی از این نوع سرمایه به کشورهای توسعه‌یافته وجود شرایط فوق‌الذکر در این اینگونه کشورها می‌باشد. عوامل تأثیرگذار بر این جریان را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی نمود:

- سیاستگذاری اقتصادی

هر زمان سیاستگذاری‌های اقتصادی در کشور میزبان در راستای ایجاد فضای باز و با ثبات اقتصادی باشد میزان ریسک سرمایه‌گذاری کاهش خواهد یافت و به‌تبع آن جریان سرمایه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- سیاست پولی: این سیاست‌ها تعیین‌کننده عوامل مؤثر بر نرخ تورم در کشور است. در واقع هر چه سطح تورم در کشور میزبان پایین‌تر باشد میزان کاهش در ارزش دارایی‌ها و سود خالص سرمایه‌گذاری کمتر خواهد بود و در نتیجه ریسک سرمایه‌گذاری تقلیل یافته و به‌تبع آن جریان سرمایه‌گذاری مستقیم افزایش می‌یابد.
- سیاست مالی: نشان‌دهنده وضعیت کسری بودجه دولت و درآمدهای مالیاتی است. در صورت وجود کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی، سطح نقدینگی در کشور میزبان افزایش می‌یابد که خود اسباب بروز تورم در کشور میزبان خواهد شد و همانطور که عنوان شد این امر اثر منفی بر جریان سرمایه خارجی دارد. به‌علاوه، وجود

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

مالیات مضاعف بر درآمد شرکت‌های سرمایه‌گذار اثر منفی بر این جریان خواهد داشت. طبیعی است که سرمایه‌گذار نمی‌تواند در ۲ کشور مالیات بپردازد. همچنین بالا بودن مالیات بر درآمد و سود فعالیت‌های تولیدی و خدماتی منجر به کاهش درآمد آنها پس از کسر مالیات شده و با کاهش سطح بازدهی سرمایه‌گذاری خارجی به کشور کاهش خواهد یافت.

- سیاست ارزی: مجموعه سیاست‌های ارزی نشان‌دهنده وضعیت سیستم ارزی است. در صورتی که نرخ ارز ثبات داشته باشد اطمینان بیشتری در فضای اقتصادی کشور ایجاد شده و به‌تبع آن تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاران خارجی ساده‌تر می‌گردد.
- سیاست بازرگانی: میزان آزادی تجارت و بازرگانی خارجی را نشان می‌دهد. هر میزان معافیت‌های گمرکی بر نهاده‌های واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر باشد جریان FDI به کشور بیشتر خواهد بود.
- سیاست‌های ناظر بر مقررات: یکی از شاخص‌های مؤثر بر بهبود فضای کسب و کار محسوب می‌گردد و شامل اطلاعات رسمی و قابل دسترس، تعیین جهت‌گیری حکومت و جامعه به سمت سرمایه‌های خارجی و محدودیت‌های انتقال سرمایه است. هر چقدر اطلاعات شفاف‌تر و دسترسی به آن سهل‌تر باشد اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی به نتیجه ارزیابی‌ها و مطالعات پیش از سرمایه‌گذاری بیشتر شده و جریان سرمایه‌گذاری به کشور تسهیل می‌شود. همچنین نگرش مردم و قوانین و مقررات حاکم بر جریان سرمایه و فرهنگ عمومی قالب بر امر سرمایه‌گذاری نیز اهمیت بسزایی دارد.

- ساختار اقتصادی

هر قدر ساختار و زیرساخت‌های اقتصادی یک کشور قوی‌تر و مستحکم‌تر باشد، سرمایه‌گذاران خارجی تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری مستقیم در آن کشور دارند. عمده‌ترین عوامل ساختاری اقتصاد که به‌طور مستقیم بر جذب سرمایه مؤثر است عبارتند از:

- ثبات تراز تجاری: ثبات تراز تجاری به‌معنای پایداری نظام تجارت خارجی بوده و در نتیجه اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌گذاری جلب می‌نماید.
- گستردگی بازار: هر اندازه بازار کشوری گسترده‌تر باشد و هنوز اشباع نشده باشد جریان سرمایه به آن کشور تقویت می‌شود.
- بدهی خارجی: چنانچه بدهی کشوری کمتر باشد امکان تأمین مالی از طریق جریان ورود سرمایه به آن کشور تقویت می‌شود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

- ساختار تأمین مالی: نظام بانکی کارامد و پرداخت تسهیلات با شرایط سهل‌تر زمینه‌ساز ایجاد بستری مناسب برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشد.
- تأسیسات زیربنایی: وجود زیرساخت‌های اقتصادی گسترده‌تر نظیر راه‌ها، بنادر، سیستم‌های ارتباطی و... عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌های خارجی هستند.
- نیروی‌کار ماهر و توسعه منابع انسانی: با پیچیده‌تر شدن فرایند تولید کالاها و خدمات در جهان
- وجود نیروی‌کار غیرماهر دیگر مزیت به‌شمار نمی‌رود، بنابراین کشورهایی در جذب سرمایه موفق‌ترند که از نیروی کار آموزش‌دیده برخوردار می‌باشند.
- وجود شبکه اطلاع‌رسانی گسترده: در صورت دسترسی سرمایه‌گذاران به یک شبکه اطلاع‌رسانی قوی و کارامد حاوی اطلاعات به‌روز و دقیق از نیروی‌کار، زیرساخت‌ها، مشوق‌ها و... انگیزه ورود سرمایه خارجی به کشور تقویت می‌شود.

- عوامل تشویقی و حمایتی

برخی از کشورها جهت جلب سرمایه‌گذاران خارجی اقدام به اعطای برخی امتیازات و وضع قوانین و مقرراتی در راستای حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی می‌نمایند. مسلم است که هر چه میزان امتیازها، حمایت‌ها و مشوق‌ها بیشتر باشد سرمایه‌گذاران خارجی با تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری اقدام نمایند. در این ارتباط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- معافیت مالیاتی در مورد تولیدات شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی
- اعطای پوشش‌های بیمه‌ای سرمایه‌گذاران
- اعطای معافیت‌های گمرکی در مورد واردات نهاده‌های مورد نیاز شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی
- اعطای یارانه در امر آموزش نیروی کار محلی
- ایجاد مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاری
- اعطای تسهیلات زیربنایی و خدمات عمومی ارزان‌تر نظیر آب، برق و گاز
- تضمین برگشت سود و اصل سرمایه و جلوگیری از مصادره و ملی کردن آنها
- برخورداری سرمایه‌گذاران خارجی از حقوق، حمایت‌ها و تسهیلات یکسان با سرمایه‌گذاران داخلی
- انتقال آزادانه اصل سرمایه و منافع ناشی از سرمایه‌گذاری در کشور به‌صورت ارز یا کالا
- امکان ارجاع اختلافات سرمایه‌گذاری به مراجع بین‌المللی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

- ارائه تسهیلات و ایجاد بستری مناسب جهت صدور روادید، اجازه اقامت و پروانه کار برای سرمایه‌گذاران خارجی، مدیران، کارشناسان و بستگان درجه یک آنها

- عوامل سیاسی

زمانی‌که مکانیزم موجود در بازار به‌درستی نقش خود را ایفا نکند و نتواند ظرفیت‌ها و امکانات موجود را به‌طور کامل به‌کار گیرد یا مزیت‌های رقابتی جدید را توسعه بخشد یا کارگزاران اقتصادی قادر نباشند با شرایط و اطلاعات موجود نسبت به امر سرمایه‌گذاری تصمیم‌گیری نمایند؛ در آن هنگام دخالت دولت در راستای ایفای نقش نظارتی و تنظیم‌کننده بازار الزامی می‌باشد. البته این دخالت می‌بایست به نحوی باشد که دولت بتواند نسبت به طراحی به‌کارگیری و نظارت بر سیاست‌هایی که ضعف‌ها و ناتوانی را جبران کند اقدام نماید.

به‌طور خاص، سیاست‌های دولت در مورد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دو جهت باید با عدم توانایی مکانیزم بازار برخورد کند: نخست از نظر عدم توانایی بازار در ارائه اطلاعات مناسب و ایجاد هماهنگی در مسیر سرمایه‌گذاری که می‌تواند موجب جذب ناکافی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا کیفیت نامناسب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب شده باشد. دوم از نظر عدم هم‌سویی منافع سرمایه‌گذاران و علایق اقتصادی کشور میزبان. این عوامل موجب می‌شوند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آثار منفی بر توسعه داشته باشد یا در صورت تحقق به مدت طولانی دوام نیاورد. البته علایق سرمایه‌گذاران و منافع ملی کشور میزبان ممکن است هماهنگ نباشند. در این حالت نیاز به سیاست‌هایی خواهد بود که اختلاف از میان برداشته شود و به همین دلیل لزوم دخالت دولت در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قابل توجه می‌شود. به‌علاوه، برخی مواقع دولت‌ها احساس می‌کنند که لازم است سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به دلایل غیر اقتصادی کنترل نمایند، به عنوان مثال ممکن است به‌منظور جلوگیری از تضییع تولیدات مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های داخلی، سهم ارزش کالا و خدمات تولیدی حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خارجی به نسبت مشخصی از ارزش کالا و خدمات عرضه شده در بازار داخلی تعیین گردد یا ضرورت ایجاب کند فعالیت در یک رشته از فعالیت‌های اقتصادی به موجب تهدید برای امنیت ملی و منافع عمومی، در انحصار دولت یا سرمایه‌گذاران داخلی باشد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

۴. تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی

سرمایه‌گذاری خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد آثار قابل ملاحظه‌ای بر روی متغیرهای کلان اقتصادی برجای می‌گذارد و می‌تواند سیستم‌ها و متغیرهای اقتصادی را دستخوش تغییرات نماید. جریان ورود سرمایه خارجی به کشور می‌تواند آثار زیر را بر برخی از متغیرهای تأثیرگذار در اقتصاد به همراه داشته باشد.

- کاهش نرخ بهره: جریان ورود سرمایه موجب افزایش حجم نقدینگی در بازار پول شده و با توجه به رابطه معکوس بین نرخ نقدینگی و نرخ بهره، افزایش نقدینگی در جامعه موجب کاهش نرخ بهره می‌شود. کاهش نرخ بهره، تقاضا برای دارایی‌های داخلی را بر مبنای واحد پول ملی افزایش می‌دهد و به‌دلیل رابطه معکوس بین نرخ بهره و سرمایه‌گذاری خصوصی، حجم سرمایه‌گذاری‌ها و امکان کسب سود افزایش می‌یابد که مجدداً مشوقی برای ورود سرمایه خارجی محسوب می‌گردد.

- کاهش نرخ ارز: تحت شرایط اتخاذ رژیم شناور ارزی از سوی کشورها، جریان ورود سرمایه خارجی به یک کشور و تقویت سمت عرضه ارز منجر به افزایش ارزش پول ملی می‌شود. البته مطالعات در این زمینه دلالت بر این دارد که نوسان‌های نرخ ارز در رابطه تعادلی کوتاه‌مدت و بلندمدت بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بی‌تأثیر می‌باشد.

- تأثیر مثبت در ترازپرداخت‌ها: افزایش جریان ورود سرمایه به کشور موجب عدم تعادل در حساب موازنه پرداخت‌های کشور می‌شود و آن را به سمت مازاد سوق می‌دهد، در این صورت حجم ذخایر ارزی افزایش می‌یابد.

- افزایش رشد اقتصادی: ورود سرمایه خارجی موجب کاهش قیمت نهاده سرمایه به‌عنوان یکی از عوامل تولید (عامل کمیاب تولید در کشور در حال توسعه) می‌گردد، بنابراین هزینه‌های تأمین مالی برای سرمایه‌گذاری کاسته، سودآوری بنگاه‌های تولیدی و سطح تولید افزوده می‌شود. افزایش سطح تولید اشتغال‌زا منجر به افزایش تقاضا برای نیروی کار شده و با توجه به ویژگی جمعیت و نرخ رشد آن بیکاری کاهش می‌یابد. همچنین افزایش نرخ رشد اقتصادی موجب کاهش خروج سرمایه می‌شود.

- افزایش درآمد مالیاتی دولت: ورود سرمایه به میزان ثروت و بالطبع به میزان درآمدهای ناشی از ثروت می‌افزاید، بنابراین حجم مالیات‌های دریافتی توسط دولت افزایش یافته و افزایش درآمدهای عمومی دولت علاوه بر تأثیرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی زمینه‌ساز ارتقای سطح رفاه و ارائه خدمات عمومی به جامعه می‌گردد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

- کاهش بدهی دولت: افزایش درآمد دولت به واسطه افزایش مالیات موجب کاهش کسری بودجه دولت می‌شود. البته می‌بایست به این نکته اشاره کرد که چنانچه دولت کسری بودجه خود را از استقراض داخلی یا انتشار پول یا استقراض خارجی تأمین مالی نماید، تورم و در پی آن خروج سرمایه را تشدید می‌کند و از نظر توزیعی، بدهی را به نسل بعدی منتقل می‌نماید که نقشی در تصمیم‌گیری و اتخاذ آن نداشته‌اند و از منافع آن استفاده ننموده‌اند اما باید آن را بپردازند که این مورد در رابطه با استقراض خارجی بلندمدت قطعاً وجود دارد.

- بهبود توزیع درآمد: ورود سرمایه خارجی موجب بهبود توزیع عادلانه درآمد می‌شود، زیرا تورم داخلی را کاهش می‌دهد و ارزش واقعی ثروت و درآمد افراد طبقات پایین جامعه و کسانی را که ثروت خود را در بازارهای سرمایه و سایر بازارهای مشابه مؤثر بر ارتقای تولید داخلی سرمایه‌گذاری نموده‌اند افزایش می‌دهد.

- انتقال تکنولوژی: سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند مستقیماً از طریق انتقال تکنولوژی یا به‌صورت غیرمستقیم منجر به انتقال تکنولوژی به کشور گردد که علاوه بر تأثیرگذاری بر بهبود کیفیت عرضه کالا و خدمات و افزایش میزان صادرات منتهی به توسعه و رشد اقتصادی می‌شود.

- افزایش اشتغال: با ورود سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت جهت ایجاد و راه‌اندازی واحدهای تولیدی و خدماتی، سطح تولید و تقاضا برای نیروی کار افزوده شده و در نتیجه جذب نیروی انسانی و سطح اشتغال افزایش می‌یابد.

- توسعه صادرات و کاهش واردات: با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و راه اندازی کارخانجات مختلف، علاوه بر افزایش حجم تولیدات، سطح کیفیت عرضه کالا و خدمات نیز به موجب انتقال تکنولوژی و بهره‌مندی از دانش روز مدیریت ارتقا می‌یابد و ضمن اینکه نیاز کشور به واردات آن کالا یا خدمات خاص را مرتفع می‌نماید می‌توان مازاد بر تقاضای داخلی را در قالب کالا یا خدمات به کشورهای دیگر صادر نمود. شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند دسترسی به بازارهای صادراتی برای کالاها و برخی از خدمات که هم اکنون در کشور میزبان تولید می‌شود را به وجود آورند و به آنان کمک کنند که از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی روی آورند و آنان را در گسترش فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی یاری برسانند.

- ارتقای سطح امنیت ملی: جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی از کشورهای مختلف در تولید ملی و توسعه و رشد اقتصادی کشور از طریق روش‌های متفاوت سرمایه‌گذاری خارجی موجب می‌گردد حاشیه امنیت ملی به‌دلیل ذینفع شدن سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های خارجی در ثبات اقتصادی کشور افزایش یابد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

مطالب اشاره در این مقوله می‌تواند از دو منظر کلان (حاکمیتی) و خرد (شرکتی) طبقه‌بندی گردد. به‌طور خلاصه جذب سرمایه‌گذاری خارجی از منظر کلان و حاکمیتی دارای مزیت‌های ذیل می‌باشد:

- کمک به توسعه اقتصادی پایدار و ارتقای جایگاه جهانی کشور
- خلق فرصت‌های شغلی جدید
- افزایش میزان صادرات
- افزایش درآمدهای مالیاتی
- بالارفتن حاشیه امنیت ملی
- کاهش هزینه‌های تأمین منابع مالی

از منظر خرد و شرکتی، مزیت‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شود:

- بهبود سطح کیفیت عرضه کالا و خدمات و قابل رقابت در حوزه تجارت بین‌الملل
- تأمین منابع مالی مورد نیاز اجرای پروژه‌ها
- دسترسی به بازارهای صادراتی جدید
- ارتقای مهارت‌های مدیریتی
- انتقال تکنولوژی و فناوری روز در عرضه کالا و خدمات
- ایجاد ظرفیت نهادی در سطح بنگاه و زمینه تبدیل شدن به شرکتی بزرگ

۵. شاخص‌های کسب‌وکار

بانک جهانی از سال ۲۰۰۴ پروژه‌ای را به‌عنوان بررسی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف در دستور کار خود قرار داد و اقتصاد کشورهای مختلف را که اکنون قریب به ۱۸۵ کشور می‌باشد بر اساس شاخص‌هایی که در ادامه معرفی می‌گردند، ارزیابی و رتبه‌بندی می‌کند. نتایج حاصل از این اقدام سالانه تحت عنوان گزارش جهانی سرمایه‌گذاری به‌طور رسمی از طرف کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد (UNCTAD)[1] اعلام می‌گردد و همواره توصیه‌ها و وضعیت هر کشور در گزارش مذکور مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی و بخش خصوصی قرار گرفته و در جلب نظر آنها به‌منظور سرمایه‌گذاری در کشورها حائز اهمیت می‌باشد.

1. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

- شاخص شروع کسب و کار:[1] این شاخص کل فرایندی را که یک کارآفرین به‌منظور تأسیس یک شرکت تا بهره‌برداری رسمی برای شروع یک کسب و کار تجاری، خدماتی یا صنعتی انجام می‌دهد ارزیابی می‌کند.

- شاخص اخذ مجوزهای ساخت:[2] این شاخص میزان سهولت یا سختی تعامل با مراجع قانونی صادرکننده مجوزهای ساخت یک انبار برای مصارف صنعتی را از حیث محاسبه زمان و هزینه تمام‌شده هر مرحله در شرایط واقعی و متعارف برای فعالان اقتصادی را بررسی می‌کند.

- شاخص اشتغال:[3] این شاخص مقررات مربوط به استخدام و اخراج کارگران و میزان انعطاف‌پذیری ساعات کار را در یک اقتصاد مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هدف این شاخص، محاسبه میزان سختی قوانین کار، استخدام و اخراج در شرایط وجود نیروی مازاد و همچنین انعطاف‌پذیری ساعات کار بر اساس شرایط واقعی می‌باشد.

- شاخص ثبت اموال:[4] در این شاخص، فرایند کامل خرید یک زمین، ساختمان و انتقال حق مالکیت آن از یک فرد به فرد دیگر (خریدار) ثبت می‌شود. در این فرایند هر مرحله‌ای که به‌واسطه قانون یا رویه برای انتقال حق مالکیت ضروری است ثبت می‌گردد.

- شاخص اخذ اعتبار:[5] این شاخص، وضعیت ثبت و به اشتراک‌گذاری و مبادله اطلاعات اعتباری و حقوق قانونی وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان را اندازه‌گیری می‌کند.

- شاخص حمایت از سهامداران خرد:[6] این شاخص به بررسی حقوق سهامداران خرد در شرکت‌های سهامی عام و میزان حمایت‌های قانونی و اجرایی از این حقوق می‌پردازد و به عبارت دیگر سهامداران خرد به چه اندازه می‌توانند در برابر منافع مدیران و سهامداران عمده از حقوق خود دفاع نمایند.

- شاخص پرداخت مالیات:[7] این شاخص تمام انواع مالیات‌ها و پرداخت‌های اجباری به دولت و صندوق‌های بازنشستگی را که در دفاتر مالی شرکت منعکس شده و بر درآمدهای اظهار شده مؤثر است محاسبه می‌کند. قابل ذکر است مالیات بر ارزش‌افزوده در حساب‌های شرکت منعکس نمی‌شود اما مراحلی را بر شرکت تحمیل می‌کند.

1. Starting a Business
2. Dealing with Construction Permits
3. Getting Electricity
4. Registering Property
5. Getting Credit
6. Protecting Investors
7. Paying Taxes

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

- شاخص تجارت فرامرزی:[1] این شاخص تمام مراحل الزامی برای صادرات و واردات محموله استاندارد کالا از طریق سامانه حمل و نقل را گردآوری می‌کند. تمام مراحل اداری واردات و صادرات کالا (از توافق پیمانکار تا حمل کالا) و نیز زمان و هزینه انجام امور ثبت و ضبط می‌شود. علاوه بر آن، تمام اسناد و مدارک لازم برای تصفیه حساب کالای مبادله‌شده بین مرزها ثبت و ضبط می‌گردد.

- شاخص لازم‌الاجرا شدن قراردادها:[2] این شاخص به بررسی کارامدی سیستم قضایی یک کشور در حل و فصل احتلافات تجاری می‌پردازد. این شاخص زمان، هزینه و تعداد مراحل مورد نیاز برای رسیدگی به یک دعوی، صدور رأی در مورد آن و اجرای رأی صادره را مورد بررسی قرار می‌دهد.

- شاخص پایان کسب و کار:[3] این شاخص به بررسی یک شرکت داخلی می‌پردازد که پس از اعلام ورشکستگی برای طی فرایند قانونی و تسویه بدهی‌های معوقه و در نهایت تعطیلی شرکت می‌بایست هزینه‌هایی را پرداخت کند. در این شاخص مدت زمان سپری‌شده، هزینه‌های قانونی مرتبط و پیامدهای ورشکستگی در اقتصاد یک کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در حال حاضر و بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ ایران در زمینه شاخص سهولت کسب و کار در میان ۱۸۵ کشور مورد مطالعه دارای رتبه ۱۴۵ بوده که از متوسط این مقدار در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که برابر با ۹۸ می‌باشد بسیار فاصله داشته و از کشورهای منطقه نیز صرفاً کشور عراق از این لحاظ با رتبه ۱۶۵ پس از ایران قرار دارد.

رتبه ایران در هریک از شاخص‌های ۱۰ گانه اشاره شده در بالا به‌ترتیب ۸۷، ۱۶۶، ۱۶۳، ۱۶۵، ۸۳، ۱۵۰، ۱۲۹، ۱۴۳، ۵۳ و ۱۲۶ بوده که در مقایسه با متوسط این شاخص‌ها در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که به‌ترتیب برابر با ۱۰۸، ۹۹، ۷۶، ۸۵، ۱۲۴، ۹۷، ۶۱، ۷۹، ۱۱۳ و ۱۰۲ می‌باشد تنها در سه شاخص شروع کسب و کار، اخذ اعتبار و لازم‌الاجرا شدن قراردادها رتبه‌ای به نسبت بهتر از متوسط منطقه داشته و در سایر شاخص‌ها اختلاف زیادی با متوسط منطقه مورد مطالعه دارد. مطالعات صورت گرفته دلالت بر این دارد که رابطه معناداری بین شاخص‌های ۱۰ گانه کسب و کار بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشته و جایگاه نامناسب ایران در این زمینه نشان از ضرورت تلاش و همت مضاعف کلیه سیاستگذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی کشور در راستای بهبود فضای کسب و کار در کشور می‌باشد.

1. Trading Across Borders
2. Enforcing Contracts
3. Resolving Insolvency

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

همانطور که از مطالب عنوان شده قابل استنباط است، دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی در ساختار حکومتی یک کشور در فضای کسب و کار و شاخص‌های مؤثر بر بهبود آن دخیل می‌باشند. از جمله دستگاه‌های مرتبط با شاخص‌های اشاره شده در ایران می‌توان از قوه مقننه به عنوان نهاد قانونگذار در حوزه‌های اقتصاد و کسب و کار، قوه قضائیه و تشکیلات زیر مجموعه آن از قبیل دادسراها، دادگاه‌ها، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و البته بانک مرکزی، نیروی انتظامی، شهرداری‌ها، اتحادیه‌ها، اصناف و مجموعه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیل قوه مجریه شامل دستگاه‌های ذخیل در امر صدور پروانه‌ها و مجوزهای سرمایه‌گذاری و کسب و کار، سازمان امور مالیاتی، سازمان بورس و اوراق بهادار، گمرک، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، سازمان توسعه تجارت خارجی، سازمان ملی استاندارد و سازمان تامین اجتماعی نام برد که همکاری و عملکرد هریک از دستگاه‌های اشاره شده در راستای تسهیل و تسریع در امر سرمایه‌گذاری می‌تواند در بهبود و ارتقای رتبه ایران در زمینه شاخص سهولت کسب و کار مؤثر واقع گردد.

۶. علل عدم موفقیت ایران در جذب سرمایه‌های خارجی

دلیل عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را از زوایای متعدد می‌توان بررسی کرد. برخی کارشناسان بر موانع اقتصادی و برخی دیگر بر موانع سیاسی، حقوقی و فرهنگی تأکید دارند. در مجموع می‌توان این موانع را به‌طور خلاصه برشمرد.

موانع اقتصادی: مانند گسترش بیش از حد بخش دولتی، وجود بوروکراسی طویل و پیچیده، تعدد مراکز و نهادهای خدمت‌رسان به سرمایه‌گذاران، نوسان‌های ارزی، سیاست تجاری ناکارامد، نبود ثبات اقتصادی، عدم زیرساختارهای فیزیکی، ضعف در اقدامات تشویقی و ترویجی و ارائه خدمات پس از سرمایه‌گذاری، عدم مهارت کافی نیروی انسانی و...

موانع حقوقی: عدم شفافیت در قوانین و مقررات مرتبط با موضوع سرمایه‌گذاری، وجود قوانین و مقررات زاید، متناقض و مخل فعالیت‌های اقتصادی، عدم اطلاع‌رسانی مناسب از خط‌مشی‌های روشن مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی از قبیل قوانین گمرکی، مالیاتی، تجاری و...

موانع فرهنگی: داشتن ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی و سرمایه خارجی، ارتباط و تعامل ضعیف بین ایرانیان و اتباع خارجی، عدم وجود مدارس دوزبانه در ایران و...

موانع سیاسی: مهم‌ترین مانع سیاسی اراده خصمانه آمریکا و وضع تحریم‌های اقتصادی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران است و پس از آن نیز عدم اجماع داخلی بر سر جذب و چگونگی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

جذب سرمایه خارجی است. این عامل اخیر، خود عدم اراده ملی برای این امر را به همراه داشته است و موجب عدم انسجام و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های مختلف اجرایی شده است.

به‌طور کلی می‌توان تنگناها و موانع جذب و توسعه سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران را در عوامل زیر ذکر نمود:

- قوانین و مجموعه مقررات مخل فعالیت‌های اقتصادی
- ضعف نظام قضایی و انتظامی
- وجود نظام پیچیده و ناکارامد اداری
- توسعه نامناسب ساختار بازار مالی
- عدم ثبات اقتصادی
- ریسک بالای سرمایه‌گذاری در ایران
- ضعف نظام اجتماعی و فرهنگی کشور
- نبود اراده ملی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- تحریم‌های اقتصادی

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه و دستاوردهای جلب و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از روش‌های نوین تأمین منابع مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون انتقال تکنولوژی، ارتقای سطح فناوری و کیفیت عرضه کالا و خدمات، توسعه مهارت و مدیریت، افزایش بهره‌وری، توسعه صادرات، افزایش رشد اقتصادی و بهبود سطح رفاه عمومی جامعه ضرورت دارد با آگاهی از عوامل و سیاست‌های تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار و به دنبال آن جذب سرمایه‌گذاری خارجی در انواع روش‌های تعریف شده برای آن نسبت به تصمیم‌گیری و رفع موانع و محدودیت‌های موجود در تحقق این امر توسط قوا و ارگان‌های مختلف مرتبط و تأثیرگذار بر حوزه اقتصاد اقدام عملی صورت پذیرد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

منابع

سحابی، بهرام و علی شفیعی (۱۳۹۰)، "تأثیر نوسانات نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و تعیین استراتژی‌های لازم در مقابل آن"، چهارمین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تامین مالی در ایران.

سعیدی، علی و زهرا میعادی (۱۳۹۰)، "بررسی موانع عمده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از دیدگاه سرمایه‌گذاران خارجی"، پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۲۰۰-۱۸۱.

Doing Business (2013), *Economy Profile: Iran, Islamic Rep*, The World Bank, 10th Edition.

http://www.investiniran.ir/investmentlicensing/reciptionguide (2013).

http://www.iran.thebusinessyear.com/countries/2/iran (2013).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-22]